



سیاست رییس جمهور کرد

مریم جمشیدی

مساله قرارداد الجزایر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا با گذشت سال‌ها وقتی جلال طالبانی رییس جمهور عراق در اظهاراتی سوال برانگیز اعتبار این قرارداد بین‌المللی را نادیده گرفته و آن را یک جانبه فسخ شده اعلام می‌کند، موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود و این سوال پیش می‌آید که چه علتی رییس جمهور کشوری را که روابط قوی دیپلماتیکی با کشور همسایه‌اش ایران دارد، واداشته تا در کسوت دیکتاتور سابق عراق قرار گرفته و با اظهار نظر تعجب‌آور درباره یکی از مهمترین مسایل فی‌مابین تنش جدیدی در روابط دو کشور به وجود آورد؟

هرچند که بعد از اعتراض دولت ایران، دفتر طالبانی با صدور بیانیه‌ای، اقدام به تصحیح سخنان طالبانی نمود. اما به راستی علت سخنان طالبانی و پس گرفتن ادعایش چه می‌باشد؟

اولین چیزی که در این باره به نظر می‌رسد موجب نارضایتی طالبانی از قرارداد ۱۹۷۵ و نادیده گرفتن آن شده باشد، توافق محمدرضا پهلوی با صدام حسین درباره‌ی کردهای عراق است. این نگرش به ویژه اگر به یاد بیاوریم جلال طالبانی از جمله رهبران کردهای عراق است که طی چهل سال گذشته در صحنه سیاسی عراق مطرح بوده، قابل تامل تر به نظر می‌آید.

وی یک ملی‌گرای کهنه کار و اولین رییس جمهور کرد در عراق پس از سقوط صدام است. پس از آن که طالبانی به سمت ریاست انتخاب شد، شمار زیادی از مردم سلیمانیه عراق در حالی که تصویر او را در دست گرفته بودند به شادمانی پرداختند. طالبانی همان کسی است که پس از تارومار شدن نیروهای کرد به دست ارتش عراق، با جدا شدن از بازمانی یار قدیمی خود، اتحادیه میهنی کردستان را تشکیل داد. بنابراین دور از انتظار نخواهد بود که پس از گذشت سال‌ها وی در اعتراض به کشتار کردها در آن موقع، قرارداد الجزایر را فاقد اعتبار دانسته و آن را مورد قبول ندادند. اما این تحلیل چنانچه به یاد بیاوریم جلال طالبانی کار کشته‌تر از آن است که بخواهد با توریخ روابط حسنه‌ی خود را با ایران خدشه‌دار کرده و حمایت دوستان خود را از دست بدهد، بخصوص آن که وی دنبال برقراری ثبات و آرامش در کشور آشوب زده‌ی عراق است بنابراین باید در مولفه‌های دیگری این موضوع را جست‌وجو کرد.

از سوی دیگر برخی ناظران سیاسی معتقدند که اظهارات رییس جمهور عراق متناثر از رقابت‌های قومی و سیاسی داخلی عراق است. اکثر کابینه دولت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند لذا خواستار نزدیکی روابط با ایران هستند. اما جلال طالبانی برای آن که همچنان موضع ملی‌گرایانه‌اش را حفظ کرده باشد، با طرح چنین مساله‌ای قصد داشته تا نظر مساعد احزاب سنی را به خود جلب کند. در واقع گروه‌های شیعه عراق به منظور نشان دادن استقلال و فاصله خود از ایران تلاش می‌کنند تا از خود چهره‌ای ملی‌گرا به نمایش بگذارند و بدینوسیله اعتماد کشورهای عرب و حتی متحدان غربی را به سمت خود جلب کنند. تلاش دولت عراق مبنی بر مستقل بودنش از تهران و اثبات آن به آمریکا نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.

همچنین افزایش قدرت گروه‌های کرد نیز می‌تواند علت اظهار نظر رییس جمهور عراق باشد. طالبانی با طرح مساله قرارداد الجزایر ۱۹۷۵ سنی‌داری را به سمت خود جلب کند و در عین حال منتظر تلاش شیعه‌ها برای جلب گروه‌های کرد باشد تا در کنار این رقابت از دو گروه شیعه و سنی به نفع خود بهره‌برداری کند.

اما واقعیت دیگری هم در خصوص عراق مطرح است و آن این است که کشور مذکور هنوز درگیری‌های داخلی زیادی را میان احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی خود می‌بیند. بنابراین اینکه طالبانی ابتدا چنین اظهاراتی مطرح می‌کند و سپس بیانیه‌ای در تکذیب ادعایش ارایه می‌دهد، بیشتر از آن که اعلام نظر رسمی از موضع یک مسوول دولتی باشد، در قالب رهبر یک حزب بیان شده است.

بنابراین سخنان مذکور می‌تواند به جای آن که متوجه خارج از عراق باشد، بیشتر به خاطر مسایل داخلی عراق مطرح شده باشد. با این وجود نمی‌توان بیامی که از اقدام طالبانی، ترک‌ها و ایرانی‌ها دریافت کرده‌اند را منکر شد. زیرا در درگیری‌های درونی احزاب سیاسی عراق، نوری مالکی نخست‌وزیر این کشور با ایران و ترکیه قراردادهایی بست و کارهایی را انجام داد که به نظر کردها بر ضد آنهاست. لذا صحبتی که طالبانی درباره توافق نامه ۱۹۷۵ کرد، نوعی پیام به مالکی و دولت اوست و همچنین پیامی به ایران که اگر نمی‌خواهید به گروه‌های دیگر عراق و حتی کشور ترکیه علیه کردها نزدیک شوید، بدانید که با چنین اقداماتی هم مواجه خواهید شد.

کردها و دولت مالکی در مورد موافقت نامه بین ترکیه و عراق و اینکه اجازه داده‌اند ترک‌ها به شمال عراق حمله کنند. از نظر کردها امری نادرست بوده است. به عقب انداختن انتخابات درباره تعیین سرنوشت کرکوک نیز از مسایل دیگری است که باعث ایجاد اختلاف بین کردها و دولت عراق شده است. بنابراین جلال طالبانی در کسوت یک رییس جمهور تصمیم می‌گیرد تا بدون آن که نگران وجهه سیاسی خود باشد، ابتدا یک شوک درباره موضوعی تاریخی میان ایران و عراق وارد کند و سپس با عقب‌نشینی از موضع خود تنش به وجود آمده را خنثی کند. از این روست که با مخالفت مقطعی با قرارداد الجزایر، او لا پیامی به نمایندگی از حزب منتقد عراق ارایه می‌دهد و ثابا به کشورهای همسایه‌اش که از قضا روابط حسنه‌ای هم با آن‌ها دارد، ضرب شست‌شان می‌دهد و در خاتمه با تاکید بر اینکه اصل قرارداد الجزایر را به عنوان یک معاهده بین‌المللی قبول دارد و فقط باید بر سر برخی جزئیات آن وارد مذاکره شد، بر اراده کشورش مبنی بر تداوم روابط حسنه با ایران صحنه می‌گذارد.

طالبانی هوشمندانه در مسیری گام نهاد که به نظر می‌رسد که خواسته‌هایش را تأمین کرده است. به همین علت هیاتی را به ایران فرستاد تا به دور از مسایل سیاسی، موارد تخصصی مربوط به خطوط مرزی اروندرود را بررسی کنند.

حادثه دوم

حادثه دوم که در واقع به نوعی دنباله‌ی حادثه اجلاس قطر به شمار می‌آید، به موضع‌گیری سعید جلیلی دبیر تازه کار شورای عالی امنیت ملی



برمی‌گردد. در شرایطی که اعتراضات گسترده‌ی داخلی به دولتیان بر سر اجلاس دوحه ادامه داشت و از اینکه مقامات دولتی به دفاع جدی از تمامیت ارضی و نیز نام تاریخی خلیج فارس نپرداخته‌اند، اما سعید جلیلی در دیدار با وزیر خارجه‌ی عمان که اخیراً به تهران سفر کرد سخنانی بر زبان آورد که باعث بهت همگانی شد. او در پاسخ به اعتراضات مبنی به نام تاریخی خلیج فارس و در حضور وزیر خارجه یکی کشور عربی با افتخار تمام از نام معمولی تحت عنوان خلیج دوستی به جای خلیج فارس سخن به میان آورد و در عین حال خلیج دوستی را سیاست استراتژیک ایران نام نهاد! سیاستی که تاکنون هیچ‌گاه مطرح نبود و افتخار اختراع آن به نام دبیر تازه منصوب شورای عالی امنیت ملی ثبت خواهد شد. چرا که جلیلی به مانند محمود احمدی‌نژاد موضعی اتخاذ کرد که بیش از هر چیز نشان‌دهنده‌ی عدم توجه و دقت کافی آنان در کاربرد واژه‌ها و استراتژی‌ها است و البته استقبال مقامات دولت احمدی‌نژاد از جایگزین نام دیگری به جای خلیج فارس هم برای اولین بار نیست که رخ می‌دهد، زیرا پیش از او احمدی‌نژاد هم در تلویزیون حاضر شد و در پاسخ به سوال مشابهی درباره‌ی نام خلیج فارس گفت مگر مشکل ما این است که یک نفر در آن اجلاس - اشاره به اجلاس دوحه - از نام خلیج عربی استفاده کرده است؟

طرح چنین مساله‌ای آن هم از سوی رییس جمهور ایران بسیار غیر مترقبه به نظر می‌رسید. زیرا برای اولین بار بود که یک مقام ایرانی آن هم در حد رییس جمهور حاضر به، به زبان آوردن نام خلیج عربی شده بود.

□ حادثه سوم

تمام این تحولات منجر به آن شد تا جلال طالبانی رییس جمهور عراق هم شرایط فعلی را مناسب ببیند تا یکی از مهمترین قراردادهای منعقد میان ایران و عراق را زیر سوال ببرد. جلال طالبانی از گفتگو با روزنامه الحیاحه که به روزنامه‌ی ضد ایرانی مشهور است، اعلام کرد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را به رسمیت نمی‌شناسد و باید قرارداد جدیدی منعقد شود. اظهارات جلال طالبانی واکنش گسترده و اعتراض آمیز آن دسته از کارشناسان حقوقی و سیاسی، احزاب و گروه‌هایی را در پی داشت که پیش از آن هم به اظهارات مقامات دولتی درباره نام تاریخی خلیج فارس اعتراض شدیداللعن کرده بودند.

البته انتظار این بود در تحول جدید دولت محمود احمدی نژاد به همراه صدا و سیما و سایر رسانه‌ها و احزاب حامی دولت هم وارد ماجرا شوند و به اظهارات طالبانی واکنش نشان دهند، اما این‌گونه نشد. به جز وزارت خارجه که خدشه به اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را وارد ندانست اما محمود احمدی نژاد پاسخی نداد و حتی بعد از چند روز که خبرنگاران در این مورد از احمدی نژاد سوال کردند، او سکوت پیشه کرد و گفت بعدا اعلام موضع می‌کنم. تاکنون نیز احمدی نژاد هیچ موضع گیری درباره اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نکرده است. ضمن اینکه احزاب، گروه‌ها و رسانه‌های حامی دولت هم در این مورد سکوت نسبی پیشه کرده‌اند و حاضر به محکوم کردن اظهارات طالبانی نشده‌اند.

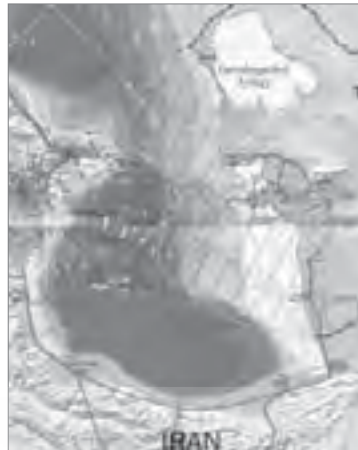
همین عملکرد که بسیاری آن را انفعالی توصیف کرده‌اند، منجر به آن شده است تا کارشناسان منتقد در مورد توانایی‌های دیپلماتیک دولت تشکیک کنند و توان لازم را در این دولت برای دفاع قاطع از منافع ملی و تمامیت ارضی کشور نبینند.

□ حادثه چهارم

اما حادثه چهارم که بسیار عجیب‌تر از حوادث سه‌گانه‌ی پیشین به نظر می‌آید، به اظهارات منوچهر متکی وزیر خارجه درباره سهم ایران از دریای خزر برمی‌گردد. این اظهارات از آن روی مهم بود که برای اولین بار یک مقام ایرانی از سهم ۱۱/۳ درصد ایران از خزر سخن به میان آورد و اعلام کرد تا پیش از انقلاب امکان بهره‌برداری ایران از خزر هرگز از ۱۱/۳ درصد فراتر نرفته است.

متکی سپس تصریح کرد: سهم پنجاه پنجاه هم شدنی نیست و هیچ قراردادی در این زمینه

وجود ندارد. متکی در شرایطی این سخنان را به زبان آورد که اولاً قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی سابق درباره‌ی خزر وجود دارد ضمن اینکه سخنان متکی به نوعی مشابه همان مواضعی است که تاکنون از سوی چهار کشور حوزه خزر اتخاذ



شده است. به عنوان مثال رییس جمهور قزاقستان کمی قبل از متکی هم در اظهارنظر مشابه اعلام کرد باید قراردادهای تاریخی میان ایران و شوروی سابق را به فراموشی سپرد. البته سخنان رییس جمهور قزاقستان از یک وجه بهتر از موضع‌گیری‌های منوچهر متکی است. زیرا رییس جمهور قزاقستان وجود این قراردادها را تکذیب نکرده بلکه با استناد به تغییر بنیاد این اوضاع و احوال و نیز تولد کشورهای جدید در حوزه‌ی خزر، خواستار نادیده گرفتن آن قراردادها شده است. اما منوچهر متکی وزیر خارجه‌ی ایران وجود هر نوع قراردادی در این زمینه را تکذیب می‌کند و همین مساله هم بهت و شگفتی کارشناسان حقوقی سیاسی را به دنبال داشته است؛ چرا که وزیر خارجه‌ی ایران که قطعاً سخنان او آثار حقوقی برای ایران به دنبال دارد، به سادگی وجود چنین قراردادهایی را نادیده می‌گیرد و البته رفع آثار و تبعات سخنان متکی بسیار سخت‌تر از ابطال اظهارات رییس جمهور قزاقستان است.

زیرا اگر چه بخشی از اظهارات رییس جمهور قزاقستان درباره‌ی تغییر اوضاع و احوال بنیادین می‌تواند لغوکننده‌ی برخی قراردادهای بین‌المللی باشد، اما کنوانسیون‌های چندگانه‌ی وین تأکید دارد که تغییرات بنیادین اوضاع و احوال باعث بی‌اعتبار شدن قراردادهای مرزی نمی‌شود. بنابراین اظهارات رییس جمهور قزاقستان اولاً به لحاظ قواعد حقوقی بین‌الملل پذیرفته نیست و ثانیاً ایران به عنوان یکی از شرکای اصلی حوزه‌ی خزر،

می‌تواند به چنین اظهاراتی اعتراض کند و آن را فاقد اثر و اعتبار لازم اعلام کند. اما وقتی اظهارات درباره عدم وجود چنین قراردادهایی آن هم از جانب وزیر خارجه‌ی ایران به زبان جاری ساخته می‌شود، طبیعی است با استقبال سایر کشورهای حوزه‌ی خزر مواجه می‌شود زیرا تمام تلاش آنان این است که مرزهای ایران را در حد همان ۱۱/۳ درصد یعنی خط فرضی بندر آستارا به بندر حسینقلی‌خان- خط فرضی که منتهی‌الیه مرز غربی تا شرقی دریای خزر را مجاور خاک ایران به یکدیگر وصل می‌کند- محصور کنند و حال وزیر خارجه‌ی ایران به گونه‌ای سخن می‌گوید که به راحتی زمینه‌ساز تحقق مقصود آنان است.

□ ضرورت احتیاط

اما از تحولات چهارگانه‌ای که ذکر شد می‌توان این‌گونه استنباط کرد دولت احمدی نژاد بر خلاف دولت‌های گذشته در استفاده از واژگان دیپلماتیک دقت لازم را به خرج نمی‌دهد. گذشته از اینکه نیت درونی آنها از اتخاذ چنین مواضعی چیست، آنچه مسلم است تا همین الان هم بیان چنین سخنانی برای ایران آثار حقوقی و سیاسی به جای گذاشته است و قطعاً طی مذاکراتی که در آینده بین ایران و همسایگانش انجام می‌شود، مورد استناد قرار خواهد گرفت. کارشناسان حقوقی به دولت توصیه می‌کنند به علت اینکه دولت ایران در شرایط فعلی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد و احتمال مذاکرات از موضع بالا یا حداقل مذاکره در سطح برابر وجود ندارد، لذا انجام مذاکرات احتمالی مربوط به قراردادهای تاریخی گذشته از جمله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر را به شرایط مناسب‌تری موکول کند و کارشناسان حقوقی هم به دولتیان توصیه می‌کنند از به کار بردن اصطلاحات و الفاظی که به نوعی در تنافر با محتوای قراردادهای تاریخی گذشته است، خودداری کنند و برای ایران مشکلات حقوقی تولید نکنند.

